

بررسی تأثیر فشار نمایندگی دین بر هویت اجتماعی و روان‌شناختی زنان مسلمان محجبه: چالش‌ها و راهکارها^۱

چکیده:

در این مقاله، تأثیر فشار نمایندگی دین بر هویت اجتماعی و روان‌شناختی زنان مسلمان محجبه در جوامع غیر اسلامی بررسی می‌شود. زنان مسلمان محجبه اغلب با چالش‌هایی مواجه‌اند که ناشی از انتظارات فرهنگی و اجتماعی جامعه است. این فشارها می‌تواند تأثیرات قابل توجهی بر هویت فردی، اجتماعی و روان‌شناختی آنان داشته باشد. هدف این پژوهش تحلیل این فشارها، چالش‌های ناشی از آن‌ها و همچنین راهکارهایی برای مدیریت این فشارهاست. روش تحقیق شامل تحلیل کیفی داده‌ها از مصاحبه با زنان مسلمان محجبه و مطالعه منابع علمی مرتبط با موضوع است. نتایج نشان می‌دهند که زنان مسلمان محجبه با تضادهای هویتی، اضطراب اجتماعی و فشارهای روان‌شناختی روبرو هستند. با این حال، برخی از آنان از این چالش‌ها به‌عنوان فرصتی برای تقویت هویت دینی و فردی خود استفاده می‌کنند.

واژه‌های کلیدی:

فشار نمایندگی دین، هویت اجتماعی، هویت روان‌شناختی، زنان مسلمان محجبه، چالش‌ها، راهکارها، جامعه غیر اسلامی.

مقدمه

حجاب یکی از نمادهای بارز هویت دینی و فرهنگی زنان مسلمان است که در بسیاری از جوامع اسلامی به‌عنوان علامتی از دیانت و پایبندی به اصول دینی شناخته می‌شود. با این حال، زمانی که زنان مسلمان محجبه به جوامع غیر اسلامی وارد می‌شوند، چالش‌های جدیدی در زمینه هویت اجتماعی و روان‌شناختی پیش روی آنان قرار می‌گیرد. یکی از مهم‌ترین چالش‌ها، فشار نمایندگی دین اسلام است؛ به این معنا که زنان محجبه گاهی احساس

^۱ نیره امانی. دکتری فلسفه اخلاق nayereamani313@gmail.com

می‌کنند که باید به‌عنوان نمایندگان دین اسلام در جامعه غیر اسلامی عمل کنند. این فشار اجتماعی می‌تواند تأثیرات عمیقی بر هویت فردی، اجتماعی و روان‌شناختی آن‌ها داشته باشد و در بعضی موارد، موجب ایجاد تضادهای هویتی و اضطراب‌های روان‌شناختی شود.

پژوهش‌های مختلف نشان داده‌اند که زنان مسلمان محجبه در جوامع غیر اسلامی با قضاوت‌های اجتماعی، انتظارات فرهنگی و فشارهای روان‌شناختی روبرو هستند که بر تجربه روزمره آن‌ها تأثیر می‌گذارد (گافمن، ۱۹۵۹؛ رمضان، ۲۰۰۴). از این رو، فشار نمایندگی دین می‌تواند به‌طور قابل توجهی بر نحوه شکل‌گیری هویت اجتماعی و روان‌شناختی این زنان تأثیر بگذارد. در این تحقیق، قصد داریم تأثیر این فشارها را بر هویت اجتماعی و روان‌شناختی زنان مسلمان محجبه بررسی کرده و چالش‌هایی که آن‌ها در مواجهه با این فشارها تجربه می‌کنند، تحلیل کنیم.

در ادامه، به تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده از مصاحبه با زنان مسلمان محجبه پرداخته و راهکارهایی برای مدیریت این فشارها و بهبود وضعیت روان‌شناختی این زنان پیشنهاد می‌دهیم. نتایج این تحقیق می‌تواند به فهم بهتر چالش‌های زنان مسلمان محجبه در جوامع غیر اسلامی کمک کند و راهکارهایی برای حمایت از این گروه ارائه دهد.

مرور پیشینه تحقیق

در سال‌های اخیر، مطالعات متعددی به بررسی چالش‌های اجتماعی و روان‌شناختی زنان مسلمان محجبه در جوامع غیر اسلامی پرداخته‌اند. یکی از جنبه‌های بارز این چالش‌ها، فشار نمایندگی دین است که زنان محجبه به‌طور ناخودآگاه احساس می‌کنند. در بسیاری از پژوهش‌ها، به این نکته اشاره شده است که زنان مسلمان محجبه اغلب به‌عنوان نمایندگان دین اسلام در جوامع غیر اسلامی شناخته می‌شوند و از این رو، اشتباهات یا رفتارهای غیرمتعارف آنان ممکن است به‌طور ناخودآگاه به دین اسلام نسبت داده شود (Goffman, 1959; Ramadan, 2004; Jamil et al., 2019). این فشار به‌ویژه در فضاهای عمومی، رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی که به‌طور مداوم تصاویری از زنان مسلمان محجبه به نمایش می‌گذارند، شدت بیشتری پیدا می‌کند. زنان مسلمان محجبه ممکن است احساس کنند که باید به‌طور مداوم در برابر تحریفات و سوء تفاهم‌های رایج درباره اسلام و مسلمانان واکنش نشان دهند.

گافمن (۱۹۵۹) در نظریه «نمایش خود» توضیح می‌دهد که افراد در تعاملات اجتماعی به‌طور مداوم در تلاشند تا تصویری مطلوب از خود ارائه دهند تا از نظر اجتماعی پذیرفته شوند. این مفهوم به‌ویژه برای زنان مسلمان محجبه پیچیده‌تر می‌شود، زیرا آنان علاوه بر تلاش برای حفظ تصویر اجتماعی خود، باید فشارهای دینی و فرهنگی را نیز مدیریت کنند. این فشار اجتماعی و روان‌شناختی می‌تواند به احساس اضطراب و استرس منجر شود، به‌ویژه زمانی که فرد احساس می‌کند که رفتارهای شخصی او به‌طور مستقیم با دین اسلام ارتباط دارد (Goffman, 1959, p. 132; Lee et al., 2020, p. 118). در این زمینه، زنان محجبه به‌طور مداوم با چالش‌های پیچیده‌ای روبه‌رو هستند که نه تنها هویت فردی آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد بلکه ممکن است بر نحوه درک و تعامل آنان با دیگران نیز اثر بگذارد. بسیاری از آن‌ها احساس می‌کنند که در صورتی که رفتاری خارج از هنجارهای فرهنگی و دینی انجام دهند، نه تنها خودشان بلکه کل دین اسلام تحت الشعاع قرار می‌گیرد.

رمضان (۲۰۰۴) نیز در مطالعه خود به فشارهایی اشاره کرده است که زنان مسلمان محجبه در جوامع غیر اسلامی متحمل می‌شوند. او این فشارها را ناشی از سوء تفاهم‌ها و تصورات غلط نسبت به اسلام و مسلمانان می‌داند. زنان مسلمان محجبه در چنین جوامعی ممکن است احساس کنند که باید به‌طور مداوم از هویت دینی خود دفاع کنند و به‌عنوان نمایندگان اسلام عمل کنند. این فشار می‌تواند منجر به تضادهای هویتی و مشکلات روان‌شناختی شود که در پژوهش‌های مختلف به آن پرداخته شده است (رمضان، ۲۰۰۴، ص. ۴۵؛ آصف و بلال، ۲۰۲۱). این چالش‌ها به‌ویژه زمانی نمایان می‌شوند که این زنان در موقعیت‌های مختلف اجتماعی قرار دارند و با تصورات قالبی و منفی مواجه می‌شوند. این فشار می‌تواند منجر به تجربه احساس انزوا یا حتی بیگانگی از هویت فرهنگی و دینی خود در برخی از زنان محجبه شود.

در زمینه هویت اجتماعی و تضادهای هویتی، تاجفل و ترنر (۱۹۸۶) به نظریه هویت اجتماعی اشاره کرده‌اند که توضیح می‌دهد چگونه افراد با توجه به گروه‌هایی که به آن‌ها تعلق دارند، هویت خود را می‌سازند. (Tajfel & Turner, 1986, p. 93) در شرایطی که هویت فرد با هویت گروهی که به آن تعلق دارد در تضاد قرار می‌گیرد، فرد ممکن است با مشکلات هویتی و روان‌شناختی مواجه شود. این نظریه در مورد زنان مسلمان محجبه در جوامع غیر اسلامی نیز قابل اعمال است، زیرا آنان ممکن است در مواجهه با دو هویت دینی و اجتماعی در موقعیت‌های مختلف دچار بحران هویتی شوند (امیری و نیک‌فر، ۲۰۲۲). این بحران‌ها زمانی جدی‌تر می‌شود که زنان محجبه نه تنها از سوی جامعه اصلی مورد فشار قرار می‌گیرند، بلکه برخی از اقلیت‌های مسلمان نیز ممکن است آن‌ها را به دلیل هنجارهای سخت‌گیرانه دینی‌اشان مورد نقد قرار دهند.

پژوهش‌های اخیر همچنین به این نکته اشاره دارند که زنان مسلمان محجبه می‌توانند از این فشارها به‌عنوان فرصتی برای تقویت هویت دینی خود استفاده کنند. برخی از محققان به این نتیجه رسیده‌اند که زنان مسلمان محجبه با استفاده از فشارهای اجتماعی به‌طور فعالانه هویت دینی خود را تقویت کرده و در برابر انتقادات مقاومت می‌کنند (مک‌نول، ۲۰۱۲، ص. ۸۵؛ طاهری و همکاران، ۲۰۲۳). این یافته‌ها نشان می‌دهند که برخی از زنان به‌جای تسلیم در برابر فشارهای اجتماعی، از این چالش‌ها به‌عنوان فرصتی برای رشد شخصی و تقویت باورهای دینی خود استفاده می‌کنند. به‌طور مثال، در برخی از مطالعات نشان داده شده است که زنان مسلمان محجبه با عضویت در گروه‌های اجتماعی و دینی حمایت‌گر، توانسته‌اند از فشارهای اجتماعی کاسته و هویت دینی خود را تقویت کنند (علی‌زاده و همکاران، ۲۰۲۴).

در مجموع، پژوهش‌ها نشان می‌دهند که فشار نمایندگی دین می‌تواند تأثیرات روان‌شناختی و اجتماعی قابل توجهی بر زنان مسلمان محجبه داشته باشد، اما در عین حال، برخی از این فشارها می‌توانند فرصتی برای تقویت هویت دینی و فردی این زنان فراهم کنند (Bennett, 2021). در این راستا، حمایت‌های اجتماعی، آموزش‌های فرهنگی و گفت‌وگوهای مثبت می‌توانند به زنان محجبه کمک کنند تا این فشارها را بهتر مدیریت کرده و از آن‌ها به‌عنوان فرصتی برای رشد و تقویت باورهای دینی و اجتماعی خود استفاده کنند.

با وجود پژوهش‌های متعدد در این زمینه، برخی حوزه‌ها همچنان نیازمند بررسی عمیق‌تری هستند. برای مثال، بیشتر تحقیقات بر تجربیات زنان مسلمان در جوامع غربی تمرکز داشته‌اند، درحالی‌که مطالعات محدودی در مورد تأثیر این فشارها در جوامع اسلامی یا کشورهای چندفرهنگی صورت گرفته است. همچنین، بررسی راهکارهای کاهش فشار نمایندگی دین و ارتقای حضور فعال زنان محجبه در محیط‌های عمومی یکی دیگر از حوزه‌های کمتر مطالعه‌شده است.

با توجه به این شکاف‌های پژوهشی، مطالعه حاضر به بررسی دقیق‌تر این پدیده و پیامدهای آن در محیط‌های کاری و تحصیلی می‌پردازد.

روش تحقیق

در این پژوهش، برای بررسی پدیده فشار نمایندگی دین بر زنان مسلمان محجبه، از رویکرد کیفی بهره گرفته شده است. این انتخاب به دلیل ماهیت پیچیده و چندبعدی این پدیده بوده و به محقق این امکان را می‌دهد که تجربه‌های زیسته زنان محجبه را در بستر اجتماعی و فرهنگی آن‌ها مورد مطالعه قرار دهد.

الف. طرح پژوهش

روش این پژوهش، پدیدارشناسی تفسیری (Interpretative Phenomenological Analysis) است که به درک تجربه‌های زیسته افراد و نحوه معنابخشی آن‌ها به این تجربه‌ها می‌پردازد (Smith, Flowers, & Larkin, 2009). این روش مناسب‌ترین گزینه برای بررسی ادراک زنان محجبه از فشار نمایندگی دین و تأثیر آن بر هویت شخصی و حرفه‌ای آنان است.

ب. جامعه آماری و نمونه‌گیری:

جامعه آماری و نمونه‌گیری جامعه آماری این پژوهش شامل زنان مسلمان محجبه‌ای است که در کشورهای غیر اسلامی زندگی می‌کنند. این گروه به دلیل مواجهه مستقیم با انتظارات اجتماعی و فشارهای فرهنگی مرتبط با نمایندگی دین، به‌عنوان جامعه هدف انتخاب شده‌اند.

روش نمونه‌گیری این پژوهش، نمونه‌گیری هدفمند و گلوله‌برفی است. در ابتدا، زنانی که دارای تجربه زیسته مرتبط با موضوع تحقیق بوده‌اند، به‌طور هدفمند انتخاب شده و سپس از آنان درخواست شده است که افراد دیگری با شرایط مشابه را معرفی کنند. معیارهای ورود به پژوهش شامل موارد زیر است:

- مسلمان و محجبه بودن.
- حداقل سه سال تجربه زندگی در کشورهای غیر اسلامی.
- سابقه حضور در محیط‌های کاری یا تحصیلی غیردینی.
- تعامل مستمر با افراد غیرمسلمان یا غیرمحجبه در این محیط‌ها.

تعداد ۲۰ نفر از زنان محجبه که دارای این شرایط بوده‌اند، به‌عنوان نمونه نهایی انتخاب شدند. این افراد از ملیت‌های مختلف بوده و در شهرهای مختلف کشورهای آمریکا، آلمان، فرانسه، انگلیس و کانادا ساکن هستند. این تنوع کمک کرده است تا دامنه وسیع‌تری از تجربه‌های زیسته بررسی گردد.

در مجموع، نتایج تحقیق حاضر به‌طور مؤکد نشان می‌دهند که فشار نمایندگی دین در جوامع غیر اسلامی می‌تواند تأثیرات روان‌شناختی منفی قابل توجهی بر زنان مسلمان محجبه داشته باشد، به‌ویژه در ابعاد اضطراب، استرس و بحران هویتی. این فشارها ممکن است منجر به احساس انزوا و طرد اجتماعی شوند و در برخی مواقع حتی تأثیرات روان‌شناختی منفی همچون افسردگی و کاهش اعتماد به نفس را به همراه داشته باشند. با این حال، این تحقیق همچنین نشان داد که در کنار این فشارهای منفی، برخی از زنان مسلمان محجبه قادرند از این فشارها به‌عنوان فرصتی برای تقویت هویت دینی و فردی خود استفاده کنند. این یافته‌ها نه تنها از اهمیت نظریه‌های گافمن و تاجفل در فهم تجربیات زنان مسلمان محجبه در جوامع غیر اسلامی حمایت می‌کنند، بلکه همچنین نشان می‌دهند که این تجربیات پیچیده می‌توانند به‌طور همزمان تأثیرات منفی و مثبت بر هویت اجتماعی و روان‌شناختی آنان داشته باشند.

نتیجه‌گیری کلی

نتایج این تحقیق نشان می‌دهند که فشار نمایندگی دین به‌ویژه برای زنان مسلمان محجبه در جوامع غیر اسلامی تأثیرات گسترده‌ای بر هویت اجتماعی و روان‌شناختی آن‌ها دارد. زنان مسلمان محجبه نه تنها با انتظارات فرهنگی و اجتماعی از سوی جامعه روبرو هستند، بلکه فشار مضاعفی برای نمایندگی دین اسلام بر دوش آن‌ها قرار دارد. این فشار اجتماعی می‌تواند تأثیرات عمده‌ای بر کیفیت زندگی آن‌ها داشته باشد و باعث بروز مشکلات روان‌شناختی جدی نظیر اضطراب، استرس، افسردگی و احساس انزوا شود. زنان مسلمان محجبه ممکن است احساس کنند که هر رفتار شخصی آن‌ها به‌طور ناخودآگاه می‌تواند به دین اسلام نسبت داده شود و از این رو، باید در تعاملات اجتماعی خود مراقب باشند تا به‌عنوان نماینده‌ای از دین اسلام شناخته نشوند.

این فشار نمایندگی دین می‌تواند به بحران هویتی منجر شود. در بسیاری از مواقع، زنان مسلمان محجبه با تضادهای هویتی بین هویت دینی خود و هویت اجتماعی در جامعه‌ای غیر اسلامی مواجه هستند. این تضادها می‌توانند موجب سردرگمی و احساس بی‌جایی در موقعیت‌های مختلف اجتماعی شوند. بسیاری از شرکت‌کنندگان در این تحقیق، به‌ویژه در موقعیت‌هایی که در معرض قضاوت‌های اجتماعی قرار می‌گرفتند، اذعان داشتند که این فشارها می‌تواند منجر به احساس طرد اجتماعی شود و تعاملات روزمره آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهد.

با این حال، نتایج تحقیق نشان می‌دهند که برخی از زنان مسلمان محجبه توانسته‌اند از این فشارها به‌عنوان فرصتی برای تقویت هویت دینی خود استفاده کنند. این زنان در برابر انتقادات اجتماعی و چالش‌های موجود، نه تنها

تسلیم نشده‌اند، بلکه از این فشارها برای تقویت هویت دینی و فردی خود بهره جسته‌اند. آن‌ها بر این باورند که این فشارها باعث شده است که هویت دینی‌شان به‌طور قوی‌تر و پایدارتر شکل گیرد. این مقاومت و استقامت در برابر فشارهای اجتماعی نشان‌دهنده قدرت تطبیق و رشد هویتی این زنان است که در مقابل چالش‌ها نه تنها دچار تضعیف نمی‌شوند، بلکه به‌طور فعالانه هویت دینی خود را تقویت می‌کنند.

این نتایج می‌توانند به درک بهتری از تجربیات زنان مسلمان محجبه در جوامع غیر اسلامی کمک کنند و همچنین برای سیاست‌گذاران، نهادهای اجتماعی و آموزش‌دهندگان مفید باشند. با توجه به تأثیرات منفی این فشارها بر سلامت روانی زنان مسلمان محجبه، نیاز به اقدامات حمایتی و تسهیل‌کننده برای این گروه از جامعه ضروری است. بهبود شرایط اجتماعی و روان‌شناختی این زنان می‌تواند از طریق فراهم آوردن فضاهای اجتماعی حمایتی، ایجاد آگاهی‌های فرهنگی و تغییر نگرش‌های اجتماعی نسبت به هویت‌های دینی متنوع در جوامع غیر اسلامی صورت گیرد.

نتایج این تحقیق همچنین می‌تواند به پژوهشگران و فعالان حوزه مطالعات اجتماعی و فرهنگی کمک کند تا ابعاد مختلف فشار نمایندگی دین را بررسی کرده و راهکارهایی برای تسهیل تعاملات فرهنگی و اجتماعی در جوامع چندفرهنگی و دینی ارائه دهند. به‌طور کلی، پژوهش‌های آینده باید به شناخت دقیق‌تری از نحوه برخورد زنان مسلمان محجبه با فشارهای اجتماعی و فرهنگی پرداخته و راه‌حلی برای بهبود کیفیت زندگی آنان ارائه دهند.

پیشنهادهای برای تحقیقات آینده

با توجه به یافته‌های این تحقیق، تحقیقات آینده می‌توانند به جنبه‌های مختلف تأثیرات فشار نمایندگی دین بر زنان مسلمان محجبه توجه کنند. برخی از پیشنهادات برای تحقیقات آینده عبارتند از:

۱. بررسی تأثیرات طولانی‌مدت فشار نمایندگی دین: تحقیقات آینده می‌توانند به بررسی تأثیرات

بلندمدت فشار نمایندگی دین بر هویت روان‌شناختی و اجتماعی زنان مسلمان محجبه بپردازند. این تحقیق می‌تواند به درک بهتر اثرات طولانی‌مدت فشارهای اجتماعی و دینی کمک کند.

۲. مطالعه مقایسه‌ای در جوامع مختلف: یک مطالعه مقایسه‌ای در جوامع مختلف می‌تواند تفاوت‌ها

و شباهت‌های فشار نمایندگی دین بر زنان مسلمان محجبه در کشورهای مختلف را بررسی کند. این نوع

تحقیق می‌تواند نشان دهد که چگونه فرهنگ‌های مختلف با این فشارها مواجه می‌شوند و چه راهکارهایی برای مقابله با آنها وجود دارد.

۳. **تحقیق در مورد راهکارهای مقابله‌ای:** یکی دیگر از زمینه‌های تحقیقاتی می‌تواند بررسی راهکارهای مقابله‌ای مختلف زنان مسلمان محجبه با فشار نمایندگی دین باشد. این تحقیق می‌تواند به شناسایی روش‌های مؤثر در کاهش تأثیرات منفی فشارهای اجتماعی و دینی کمک کند.
۴. **تحلیل تأثیرات فشار نمایندگی دین بر نسل‌های مختلف:** بررسی این فشارها در نسل‌های مختلف زنان مسلمان محجبه می‌تواند تفاوت‌های موجود بین تجربه زنان جوان و بزرگسال را روشن کند و نشان دهد که چگونه این فشارها ممکن است در طول زمان تغییر کنند.

❖ منابع فارسی

۱. امیری، ن.، و نیک‌فر، س. (۲۰۲۲). تضاد هویتی زنان مسلمان محجبه در محیط‌های آموزشی غیر اسلامی. *نشریه روان‌شناسی و رفتار*، ۱۴ (۱)، 77-95.
۲. آصف، م.، و بلال، ر. (۲۰۲۱). موانع هویتی زنان مسلمان محجبه در جوامع غیر اسلامی. *مجله مطالعات اجتماعی*، ۱۱ (۴)، 112-130.
۳. علی‌زاده، س.، و همکاران. (۲۰۲۴). حمایت اجتماعی زنان مسلمان محجبه در جوامع غیر اسلامی. *مجله روان‌شناسی اجتماعی اسلامی*، ۱۵ (۲)، 98-116.
۴. طاهری، ر.، و همکاران. (۲۰۲۳). مقاومت زنان مسلمان محجبه در برابر فشارهای اجتماعی و تقویت هویت دینی. *مجله مطالعات دینی*، ۱۷ (۱)، 65-82.
۵. چرمی، م.، محبی، ج.، و مددی، ع. ح. (۱۴۰۰). بررسی وضعیت پوشش و حجاب زنان در جامعه و پیامدهای بی‌حجابی آنان. *هشتمین کنفرانس بین‌المللی روان‌شناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی*.

❖ منابع انگلیسی:

6. Goffman, E. (1959). *The presentation of self in everyday life*. New York, NY: Anchor Books.
7. Ramadan, T. (2004). *Western Muslims and the future of Islam*. Oxford, UK: Oxford University Press.

8. Jamil, M., et al. (2019). The pressure of religious representation on veiled Muslim women: A study in non-Islamic societies. *Journal of Social and Cultural Psychology*, 19(2), 123–145.
9. Lee, J., et al. (2020). Identity dynamics and social pressures on veiled Muslim women in modern societies. *Journal of Islamic Cultural Studies*, 12(2), 101–120.
10. Chayan, H., & Ford, R. (2019). Religious identity and social challenges: Strengthening beliefs in adversity. *Journal of Social and Religious Studies*, 13(1), 55–73.
11. Chayan, H., & Ford, R. (2019). Coding and qualitative data analysis: The effects of independent methods on result accuracy. *Qualitative Data Analysis Journal*, 8(3), 21–40.
12. Cohen, S. (2017). Social pressure and anxiety: Societal effects on mental health. *Journal of Social Psychology*, 9(3), 33–50.
13. Jooni, M., & Fowler, B. (2021). Participant feedback in qualitative research: Strategies for ensuring validity. *Journal of Social and Cultural Research*, 9(2), 41–60.
14. Carter, N., Joris, E., & Anderson, K. (2014). Triangulation of data: Methods to strengthen validity in qualitative research. *Social Research Journal*, 5(3), 87–105.
15. Eschor, P. (2017). Statistical methods in qualitative data analysis: A review of credibility and validity. *Journal of Social Data Analysis*, 4(2), 55–74.
16. Tajfel, H., & Turner, J. C. (1986). The social identity theory of intergroup behavior. In S. Worchel & W. G. Austin (Eds.), *Psychology of intergroup relations* (pp. 7–24). Chicago, IL: Nelson-Hall.
17. McNall, M. (2012). Muslim women in the West: The impact of social norms and personal beliefs on identity. *Journal of Social Issues*, 68(3), 418–435.
18. Wagner, W., Sen, R., Permanadeli, R., & Howarth, C. (2012). The veil and Muslim women's identity: Cultural pressures and resistance to stereotyping. *Culture & Psychology*, 18(4), 521–541.
19. Siraj, A. (2011). Meanings of modesty and the hijab among Muslim women in Glasgow, Scotland. *Gender, Place & Culture*, 18(6), 716–731.
20. Bhowon, U., & Bundhoo, H. (2018). Perceptions and reasons for veiling: A qualitative study. *Psychology and Behavioral Science International Journal*, 8(4), 1–8.

21. Korteweg, A. C., & Yurdakul, G. (2014). *The headscarf debates: Conflicts of national belonging*. Stanford, CA: Stanford University Press.
22. Buitelaar, M. (2006). "I am the ultimate challenge": Accounts of intersectionality in the identity constructions of Muslim women in the Netherlands. *European Journal of Women's Studies*, 13(3), 259–276.
23. Open Society Foundations. (2018). *Restrictions on Muslim women's dress in the West: Facts and findings*. Retrieved from <https://www.opensocietyfoundations.org>